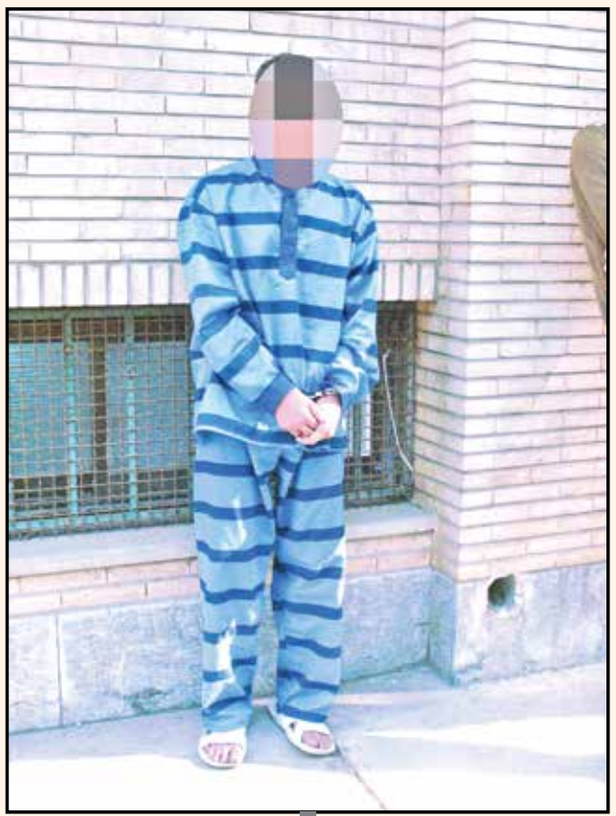
سارق تکرویی که شبیه هیتلر بود

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ وارد حیاط اداره آگاهی تهران که شدم دهها متهم کنار هم صف کشیده و برخی ایستاده و برخی دیگر روی زمین نشسته بودند. همه آنها در آخرین طرح پلیس پایتخت دستگیر شده‌اند. در میان این متهمان ناگهان دیدن خالکوبی «ارتش نازی» روی دست چپ یکی از آنها توجهم را جلب کرد. می‌گوید این خالکوبی داستان دارد با اینکه از خالکوبی خوشش نمی‌آمده ولی به خاطر یک اتفاق تصمیم گرفته این طرح را تتو کند. «وقتی سبیل هیتلری می‌گذارم قیافه‌ام با هیتلر مو نمی‌زند وقتی برای اولین‌بار به زندان افتادم همه مرا هیتلر صدا می‌زدند. کم‌کم از این لقب خوشم آمد راستش را بخواهید از نظر اخلاق و رفتار هم شبیه هیتلر هستم. بسیار خودرأی و زیاده‌خواه هستم. آنقدر که حتی در سرقت‌ها هم تکرو بودم و هیچ کسی را قبول نداشتم که همدست من شود. برای همین بود با اینکه علاقه‌ای به خالکوبی نداشتم اما نماد ارتش نازی را روی دستم خالکوبی کردم که هر موقع چشمم به آن می‌خورد حس قدرتم بیشتر شود.»

وقتی پرسیدم از کی سرقت را شروع کردی سؤالم را با سؤال دیگری جواب داد: سرقت حرفه‌ای یا دله دزدی؟ گفتم اولین سرقتت چه بود؟ گفت: یک بستنی. شاید ۷ یا ۸ سالم بود که از بقالی نزدیک مدرسه‌ام بدون آنکه صاحب مغازه متوجه شود بستنی دزدیدم و آن را داخل جیب روپوشم گذاشتم و از مغازه خارج شدم. وقتی گیر نیفتادم تصمیم گرفتم باز هم سرقت کنم. بیسکویت، نوشابه، بستنی، توپ پلاستیکی برای بازی، خلاصه هر چیزی که به آن نیاز داشتم و در دوران کودکی دلم می‌خواست، از مغازه‌ها برمی‌داشتم.

در این مدت گیر نیفتادی؟ صاحب مغازه‌ها متوجه نمی‌شدند؟

راستش را بخواهید گاهی اوقات مغازه‌دارها متوجه می‌شدند اما به رویم نمی‌آوردند. احتمالاً با خودشان می‌گفتند بچه با این سن و سال حتماً پول ندارد و به همین دلیل به رویم نمی‌آوردند و کاری با من نداشتند. البته چندباری هم گیر افتادم اما می‌زدم زیر گریه و با سروصدای من رهگذران و همسایه‌ها جمع می‌شدند و هر کسی پا درمیانی می‌کرد و مرا رها می‌کردند بعد هم با خودم می‌گفتم از این مغازه نشد از مغازه دیگری برمی‌دارم و تا به هدفم نمی‌رسیدم دست برنمی‌داشتم. اما ای کاش مغازه‌دارها به جای اینکه به من رحم کنند کاری می‌کردند که دیگر جرأت دزدی پیدا نکنم اما ترحم آنها مرا جری‌تر می‌کرد.



یعنی چه رفتاری باید با تو می‌کردند که تنبیه شوی؟

نمی‌دانم؛ مثلاً از من می‌خواستند به جای پول بستنی و پفک و چیپس، برایشان کار کنم. مغازه را برایشان جارو کنم. یا اینکه شیشه‌های مغازه را پاک کنم. نمی‌دانم یک کاری انجام می‌دادم و یاد می‌گرفتم که کار خلاف مجازات دارد و باید برای هر کار اشتباهی تاوان داد. به من یاد می‌دادند که خوردن مال حرام و چیزی که برایش زحمت نکشیده باشم عاقبت ندارد و یک روزی این دله دزدی مرا به یک سارق حرفه‌ای تبدیل کرد. راست گفته‌اند تخم‌مرغ دزد، شتردزد می‌شود. پدر و مادرم که نتوانستند مرا درست تربیت کنند اصلاً یادم نمی‌آید پدری و مادری بالای سرم بوده باشد اما دیگران هم با ترحم‌هایشان مسیر زندگی مرا تا حدودی تغییر دادند.

الان می‌خواهی بگویی آنها مقصرند؟

نه، اما من بچه بودم باید یکی مرا تربیت می‌کرد و خوب و بد را نشانم می‌داد من هم نباید خلاف می‌کردم اما آن موقع فقط به این فکر می‌کردم که به خواسته دلم برسم اما دیگران که سرد و گرم روزگار را چشیده بودند نباید در این حد دلسوزی می‌کردند.

اولین بار در چه سنی و چگونه بازداشت شدی؟

۱۸ یا ۱۹ سالم بود. یادم می‌آید که تازه سنم از ۱۸ گذشته بود. تخصص گوشی قاپی است. گوشی را با سرعتی می‌زنم که صاحب گوشی تا دقایقی متوجه ماجرا نشود. اولین‌بار سر بزنگاه دستگیر شدم. تازه‌کار بودم و به محض اینکه یک گوشی سرقت کردم گیر افتادم. اما آخرین‌بارم نبود و الان که حدود ۲۵ سال سن دارم با این دفعه شش‌بار است که بازداشت شده‌ام. اما هربار که زندان می‌رفتم، سعی می‌کردم عیب و ایرادهای کارم را برطرف کنم و دوباره سرقت را شروع کنم. یک حس درونی به من می‌گوید که نباید گیر بیفتی و باید آنقدر تمرین کنی و حرفه‌ای شوی که پلیس به گرد پایت هم نرسد. البته که تا به حال در تعقیب و گریز، پلیس موفق نشده مرا دستگیر کند چون موتورهای ما سارقان تقویت شده است یعنی خودمان موتور را تقویت می‌کنیم. دوم اینکه دست فرمان ما خیلی خوب است. من از بچگی عاشق موتورسواری بودم و طوری روی موتور می‌نشینم و فرار می‌کنم که کسی باورش نمی‌شود.

سوژه‌هایت را چطور شناسایی می‌کردی؟

شناسایی سوژه قاپیدن که کار سختی نیست. در خیابان پرسه بزنی ده‌ها نفر را می‌بینی که بی‌توجه به اطرافشان با گوشی تلفن در حال مکالمه هستند. بعضی از آنها آنقدر غرق صحبت‌هایشان هستند که وسط خیابان گوشی به دست راه می‌روند و خود این سوژه‌ها با زبان بی‌زبانی به ما می‌گویند که گوشی را سرقت کن.

چرا گوشی قاپی را برای کار خلاف انتخاب کردی؟

راحت‌ترین نوع سرقت و نقدترین سرقت، گوشی‌قاپی است. سرقت ماشین و لوازمش دردسر دارد برای اینکه بیشتر ماشین‌ها مجهز به سیستم امنیتی هستند و الان خیلی جاها هم دوربین مداربسته دارد. به ماشین که نزدیک می‌شوی صدای آژیرش بلند می‌شود و فروش لوازم داخل آن هم دردسر دارد کلی باید زیر قیمت بازار بفروشی. سرقت خانه که سخت‌تر است، باید دنبال سوژه بگردی، بعد که با کلی دردسر وارد خانه می‌شوی تمام وقت این اضطراب را داری که صاحب خانه سر نرسد آخرش هم ممکن است داخل خانه وسیله و پول و طلا به دست نیاید.

چه مدل گوشی سرقت می‌کنی؟

برایم فرقی ندارد هر مدل گوشی که بگویید بازار خرید خودش را دارد. بعضی‌ها فقط آیفون یا سامسونگ سرقت می‌کنند اما من هر گوشی که مدل بالا باشد و بتوانم در بازار به قیمت خوبی بفروشم، سرقت می‌کنم.

اگر این بار هم آزاد شوی باز هم سرقت می‌کنی؟

گفتم که هربار گرفتار شدم سعی کردم نواقص کارم را برطرف کنم تا دفعه بعد گرفتار نشوم.

اما انگار پلیس از تو حرفه‌ای تر است چون شش‌بار دستگیر شده‌ای.

ظاهراً اینطور است.

خبر

بخشش قاتل مادر با رضایت دختر



گروه حوادث: وقتی از دادسرای جنایی تهران با زن جوان تماس گرفتند و از او خواستند به شعبه اجرای احکام برود، فکر کرد قرار است این بار دیگر حکم قاتل مادرش را بعد از ۱۰ سال اجرا کنند. روز موعود آماده شد و به دادسرا رفت اما وقتی وارد شعبه شد، این بار هم با هیأت صلح و سازش روبه‌رو شد که از او می‌خواستند قاتل مادرش را در صورت صلاحدید ببخشد. در این سال‌های اخیر هر بار که جلسه‌ای بین دو طرف پرونده برگزار شده بود، قاتل با ابراز پشیمانی و التماس درخواست بخشش داشت اما زن جوان یک کلام پاسخ داده بود من قصاص می‌خواهم.

ماجرای این جنایت به دی سال ۹۵ برمی‌گشت. گزارش مرگ زن میانسالی در خانه‌اش به تیم جنایی اعلام شد. با گزارش این خبر، تیم تحقیق راهی محل که خانه‌ای در جنوب تهران بود، شده و با جسد زن میانسال در حالی که دست و پا و دهانش بسته بود، مواجه شدند. علت مرگ خفگی اعلام شد و شهناز زن همسایه مدعی بود زمانی که از خرید به خانه بازگشته با در باز خانه روبه‌رو شده و وقتی با کنجکاوی به سراغ زن همسایه رفته، جسد او را پیدا کرده است.

تحقیقات اولیه نشان می‌داد که دو النگوی مقتول به سرقت رفته است اما بازبینی دوربین‌های مداربسته محل نشان می‌داد که قاتل بعد از خروج از خانه با شهناز، زن همسایه قرار ملاقات داشته است. قرار ملاقاتی که نشان می‌داد او و شهناز همدیگر را می‌شناسند. وقتی تصاویر چهره متهم به دختر مقتول نشان داده شد، او بی معطلی گفت: «این مرد را می‌شناسم، او یک ماهی می‌شود که به خانه مادرم می‌آمد و کارهای خانه او را انجام می‌داد. همسایه‌مان شهناز، او را به ما معرفی کرد.» با اظهارات دختر مقتول، این اطمینان مطرح شد که شهناز از راز جنایت مطلع است و به دستور بازپرس جنایی، زن و مرد متهم بازداشت شدند. مرد جوان که مدعی بود ناخواسته مرتکب قتل شده در تحقیقات گفت: «چهار سال قبل با شهناز که همسایه ما بود آشنا شدم. بعد از جدایی از همسرم معتاد شدم؛ وقتی فهمیدم شهناز هم اعتیاد دارد ارتباطمان بیشتر شد. رابطه ما ادامه داشت تا اینکه شهناز گفت زن همسایه‌مان نیاز به نظافتچی دارد و من به عنوان نظافتچی در خانه او مشغول به کار شدم.» او ادامه داد: «چند باری که به خانه‌اش رفتم، متوجه طلاهای او شدم و روز حادثه تصمیم به سرقت گرفتم. قصدم کشتن زن میانسال نبود اما زمانی که دهانش را بستم، او خفه شد. از خانه هم دو النگو بیشتر سرقت نکردم بعد فهمیدم او چند روز قبل از این ماجرا طلاهایش را در اختیار دخترش قرار داده بود.» با اعتراف متهمان؛ آنها به بازسازی صحنه جنایت پرداخته و در دادگاه کیفری مرد متهم به قصاص و شهناز به حبس محکوم شد. در طی ۱۰ سال گذشته، دو بار متهم پای چوبه دار رفت اما هر دو بار با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران موفق شده بود از تنها ولی دم پرونده که دختر مقتول بود مهلت بگیرد. حالا نام او برای سومین بار در لیست محکومان به قصاص قرار گرفته بود به همین خاطر جلسه دیگری در شعبه چهارم اجرای احکام دادسرا برگزار شده بود تا آخرین تلاش‌ها هم برای جلب رضایت دختر مقتول انجام شود.

زن جوان وقتی دقایقی پای صحبت‌های قاضی امین کرمانی‌نژاد نشست، این بار در کمال ناباوری گفت: «به نظرم ۱۰ سال حبس برای قاتل کافی باشد؛ می‌دانم که در زندان روزهای سختی را گذرانده است. از طرفی شنیده‌ام او در زندان کارهای خداپسندانه انجام داده و قرآن حفظ کرده است. به خاطر تمام اینها و به خاطر خانواده‌اش قاتل مادرم را می‌بخشم اما باید دیه پرداخت کند چون می‌خواهم دیه را صرف کارهای خداپسندانه و امور خیریه کنم.» بدین ترتیب با گذشت زن جوان از قصاص قاتل مادرش، مرد زندانی بخشیده شد و با احتساب ایام بازداشت به زودی از زندان آزاد خواهد شد.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۷۵

جدول عادی

افقی

۱ - غذایی پرطرفدار - فرد باتجربه
۲ - ویرگول - موزیک نظامی - در هم قاطی شدن
۳ - سردار اشکانی - نم پس نمی‌دهد - محکم، استوار
۴ - از تنقلات - متضاد «خوبی» - جغد - پشت و عقب
۵ - نشان مفعول - صمغ گَوَن - پرنده‌ای شبیه کبک
۶ - درخت جنگلی - جبران کردن - مخفف خوب
۷ - تاخت و تازش - تازه‌کار - ردگیر فضاپیماها
۸ - صدای افسوس - داشتن استعدادها و توانایی‌های لازم - رأی‌ها
۹ - ضد «ایستادن» - سریع - طینت
۱۰ - مساوی عامیانه - نام دخترانه - کرم حشره
۱۱ - پادشاه خوارزمشاهی - تک‌تک - فتنه‌جو
۱۲ - بعد از «ل» - وسنی - شبیه - انفرادی
۱۳ - اما - آشیانه - از تداول افتاده
۱۴ - سریالی در حال پخش از شبکه نمایش خانگی با بازی لعیا زنگنه - خواب کودکانه - انس و سازگاری
۱۵ - ترافیک - تیره‌ای از گیاهان با نام دیگر «کَرَفسیان»

عمودی

۱ - مکتب هنری - آغوش
۲ - پایبند به پیمان - بین پیچ و مهره - شب طولانی سال
۳ - مالیات مرزی - شیرینی سنتی تبریز - جمع مکان
۴ - عدد دریاچه! - پاافزار - آزمون ۴ گزینه‌ای - خالص و بی غل‌وغش
۵ - مقطوع‌النسل - بخش متغیر فعل - خودم!
۶ - موضوع - الهه شکار رومیان - مقابل «صعود»
۷ - واپسین - وفا کردن به عهد - بلندمرتبه
۸ - زمزمه محبت استاد - حریق - قوت لایموت
۹ - ضد «فراز» - واحد سنجش حجم مایعات - تنبل
۱۰ - معامله - میوه تابستانی - دودکش استاندارد
۱۱ - پیش‌درآمد «آشغال» - موی مجعد - دوران
۱۲ - گردش کودک - کلمه ندایی شاعرانه! - کشیدنی فضول! - مخفف انار
۱۳ - مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد - تجویز پزشک - دلداری
۱۴ - گویند نور دیده پدر است - تحریک پوستی - رشد یافته
۱۵ - سیاهدانه معطر - فتنه را نشاندن

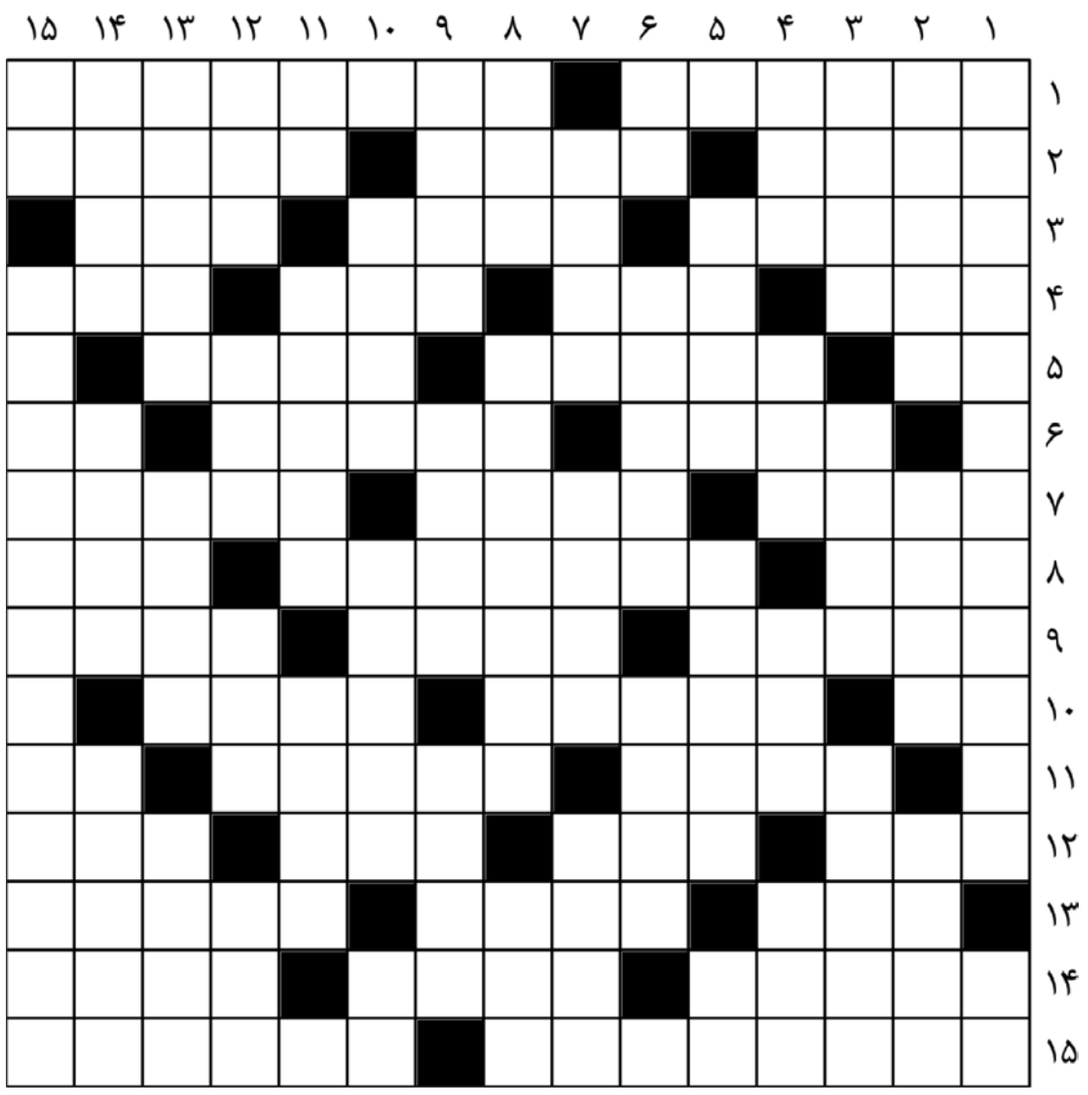
جدول ویژه

افقی

۱ - چوب جامه‌آویز - فیلمی از پیمان قاسم خانی با حضور سام درخشانی
۲ - ماهی خوراکی - شهر «چین» - سپهبد فرنگی
۳ - دانه‌دانه - خوشگل و زیبا مانند ماه - بازیکن هم‌تیمی
۴ - مقصود - شر و زشتی - ساده - مقیاس
۵ - از خواهران برونته - شهر «ترکیه» - تمرین نقاشی مقدماتی
۶ - خط مخصوص روشندلان - شهر «هند» - خرمای سیاه
۷ - مردمان امین - والد - خمیدگی
۸ - نرم‌افزار علوم ماورایی - ترانه سالار عقیلی - در دل ساختمان جامی گیرد
۹ - خرس چین - رها - دختر خوش خبر!
۱۰ - صحنه نمایش - هدیه چهره‌گشایی عروس - قسمت‌ها
۱۱ - چشمان خواب‌آلود - فرزند نتیجه - باز کردن راهی به معده از طریق پوست
۱۲ - امر از نرفتن - حلقوم - بازداشتن - جانور پیشانی‌سفید
۱۳ - سنگ سخت - خوردنی اطفال! - نمایان
۱۴ - فرومایگی - واحد بوکس - شجاع و متهور
۱۵ - دسته‌ای از کشتی‌های سبک - سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی

عمودی

۱ - نویسنده رمان «قاتل نیمه‌شب» (۲۰۲۵) - نت منفی
۲ - پایه‌ها - گاز مرداب - فیلم مسعود کیمیایی
۳ - مرمر - موز - غذا و خواربار
۴ - عادت و خصلت - دیدگاه‌ها - مسکوک نقره - لکن
۵ - ورزش نفسگیر - جزیره جنوبی - نام مردانه فرنگی
۶ - شادمان شدن - کیفیت برتر صدا - شهری در استان مرکزی
۷ - شهر «مقبره شیخ بدرالدین» در استان اردبیل - فرزند حضرت نوح(ع) - اعانت و حمایت
۸ - گیاه بی‌آوند - تیره‌ای از جانداران - گفت‌وگو
۹ - الهه عشق و جمال - لهجه‌ای در کشور «گواتمالا» - امر به ماندن
۱۰ - سنگ مشتعل در آسمان! - ایوان عبرت - اثر سیده زهرا حسینی
۱۱ - رنگی برای خودرو - سد شرق تهران - یک آشام از آب
۱۲ - ناکس - شهر «اتریش» - خطا و جرم - یکی از محله‌های قدیمی تهران
۱۳ - روزنامه‌ها - دیوارش بلند است! - فیلمی با هنرنمایی حمیدرضا آذرنگ و نادر فلاح
۱۴ - جزیره جنوب - تکاور - سریالی با بازی سیما تیرانداز
۱۵ - رازقی - اثر توریستی و مرزی «آرژانتین»



حل جدول عادی شماره ۹۱۷۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ا	ب	ا	■	ب	ا	د	ا	م	ز	م	ی	ن	ی
۲	ل	غ	ن	ت	■	ط	ع	ا	م	■	ک	ی	ا	ر	ش
۳	ن	م	ا	ی	ه	■	م	ل	ا	ک	■	ل	ز	و	م
۴	د	ا	ن	■	و	ل	■	ب	ر	د	ن	■	د	ن	ی
۵	پ	ل	■	م	ت	ن	ف	■	ر	ب	و	س	ه	■	■
۶	ر	■	ت	ل	ن	گ	ر	■	ک	ا	ل	ک	■	ک	ش
۷	و	ا	ر	و	■	■	ی	م	ا	ن	ی	■	م	ا	ت
۸	ا	ب	و	س	ع	ی	د	ا	ب	و	ا	ل	خ	ی	ر
۹	ز	د	ا	■	ی	ا	و	ر	ی	■	■	ا	و	ن	گ
۱۰	ی	ی	■	گ	ا	ب	ن	■	ن	ا	خ	ل	ف	■	ا
۱۱	■	■	س	و	د	ن	■	ا	ت	ش	ز	ا	■	ک	و
۱۲	ا	ب	ر	■	ت	د	ب	ر	■	ک	ا	■	ت	و	پ
۱۳	م	ش	ب	ک	■	ه	ر	م	ز	■	ن	ا	ا	ه	ل
۱۴	ا	ر	ا	ی	ش	■	ا	ی	ی	ن	■	ز	ب	ا	ن
۱۵	ن	ا	ز	ک	ن	ا	ر	ن	چ	ی	■	ن	ا	ن	گ

حل جدول ویژه شماره ۹۱۷۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ف	ت	ر	ت	■	م	ز	ا	ر	ر	و	د	ب	ن	د
۲	ا	ش	ل	ی	■	ر	و	س	ا	■	ک	ا	ر	و	ن
۳	ی	ک	ز	خ	م	د	■	م	ب	ل	■	ر	گ	ب	ی
۴	د	ی	ه	و	ر	■	و	ا	ن	ا	■	ب	ت	ا	■
۵	ه	ل	■	م	ح	ا	س	ن	■	ی	ا	ه	و	■	■
۶	گ	■	ر	و	د	س	ر	■	م	ز	م	ن	■	ن	ا
۷	ر	ه	ا	ن	■	■	م	ح	ت	ا	چ	■	م	ا	م
۸	ا	ل	س	ا	ن	د	ر	و	ف	ل	و	ر	ن	ز	ی
۹	ی	ا	م	■	ت	ا	ب	ت	ا	■	■	ا	ب	ا	ن
۱۰	ی	ل	■	ش	ی	ر	ی	■	و	ی	ز	ی	ت	ا	■
۱۱	■	■	چ	و	چ	و	■	ت	ت	ر	و	ن	■	ا	ل
۱۲	س	و	ی	■	ه	ا	ت	ف	■	ه	ر	■	ک	ی	د
۱۳	ت	ی	ر	ه	■	ش	و	ا	ل	■	ق	ل	م	م	و
۱۴	و	ل	ا	ی	ت	■	ک	و	پ	ه	■	ه	ی	ک	ل
۱۵	ه	ا	ن	ر	ی	م	ا	ت	ی	س	■	ی	ا	ح	ه